

[ترجمه سوره مائده]

به نام خدای روزی دادار رحمت کنار

۱- ای مؤمنان! وفا کنید عقدها که حلال کرده شد شما را [۱] دهن بستان ستوران بی آنچه خواند [۵] می شهید و شما جد حج کننده^۱ صید و شما محرمان بید. [۲] خدای حکم کند آنچه خواهد.

۲- ای مؤمنان! حلال مگیرید نشانهای حج خدای را و نه مایگان حرام را و نه قربانی و [۳] نه قلاید را و نه قصدکناران خانهی حرام را می طلبند فضلی را از خداوند ایشان و خشنودیی. و ازمان که از احرام بیرون آید، صید کنید. [۴] و نگر مه کسب کند شما را دشمنایی گروهی که واززدند شما را از مسجد حرام ار گذشتاری کنید و یکدیگر را عون کنید و نیکی کردن و پرهیزکاری [۵] و یکدیگر را عون مکنید و بزّه و گذشتاری و پرهیزید از خدای، خدای سخت عقوبت است.

۳- حرام کرده شد و شما مردار [۶] و خون و گوشت خوک و آنچه ورداشته شهید ... ان و گلو او شرده و به عصا زدن مرده و از بالا افتاده مرده و به سرو زخم مرده و آنچه بخورد دد مگر آنچه [۷] به تسمیت بکشید و آنچه کشته شد و نام بتان و اگر قسمت کنید به تیرهای مقام [بری] ... امروز نومید شدند ایشان که کافر شدند [۸] از دین شما و مترسید از ایشان و بترسید از من. امروز تمام کردم شما را دین شما

۱. در متن دست برده و واژه حج کننده را افزوده اند در قرآن قدس حلال گرفتاران در برابر مُجَلّی آمده است.

و تمام کردم و شما نعمت من و بپسندیدم [۹] شما را مسلمانی را دینی. هر کی بیچاره کرده شد در گرسنه جد میل کننده بزه‌ی را، خدای آمرزیدگاری رحمت کنار است.

۴- می پرسند ترا [۱۰] که: چه چیز حلال کرده شد ایشان را؟ بگو: حلال کرده شد شما را پاکیها و آنچه بیاموختید از صیدکناران سگ‌آموختارانی می‌آموزید ایشان را از آنچه بیاموخت شما را [۱۱] خدای، بخورید از آنچه واگرفتند و شما و ایاد کنید نام خدای و ران و بپرهیزید از خدای، خدای زود حساب است. [۱۲]

۵- امروز حلال کرده شد شما را پاکیها و طعام ایشان که داده شدند کتاب حلالست شما را و طعام شما حلالست ایشان را و پاک‌دامنان [۱۳] از زنان گرویده و پاک‌دامنان از ایشان که داده شدند کتاب از پیش شما ازمان که بدهید بدیشان کاوینهای ایشان پاک‌دامنان جد^۱ [۱۴] زناکناران و نه گرفتاران را دوستانی و کی کافر شهد به ایمان حبطه شد کردار اوی و اوی در آن جهان از زیان‌کارانست. [۱۵]

۶- ای مؤمنان! ازمان که وراستید به نمازکردن، بشوید رویهای شما را و دستهای شما را و زونکها؛ و بمالید و مسح کنید سرهای شما را [۱۶] و پایهای شما را [۱۷] و دو بجول؛ و اگر بید جنبان خود را بشوید به آب؛ و ار بید بیماران یا و سفر یا آید یکی از شما را [۱۷] از حدث آب‌دست یا مجامعت کنید و از زنان و نگنید آبی، تیمم کنید خاکی پاک و مسح کنید رویهای شما و دستهای شما ازان. [۱۸]

نمی‌خواهد خدای که کند و شما هیچ تنگی و لکن می‌خواهد که پاک کند شما را و تا تمام کند نعمت خود را و شما تا شما شکر کنید. [۱۹]

۷- و ایاد کنید نعمت خدای را و شما و پیمان اوی. آن که پیمان کرد و شما بدان که گفتید^۲ اشنیدیم و فرمان‌بردار شدیم و بپرهیزید از خدای، خدای داناست [۲۰] بدانچ در سینه‌هاست.

۸- ای مؤمنان! بید ایستاداران خدای را، گواهان به راستی و نگر که و مداردا شما را دشمنایی گروهی و آنک داد نکنید. [۲۱] داد کنید آن نزدیکتر به پرهیزکاری را و

۱. م: جذ.

۲. م: گفتند.

- بپرهیزید از خدای، خدای آگاه است بدانچ می‌کنید.
- ۹- وعده کرد خدای ایشان را که بگرویبستند و بکردند نیکبها [۲۲] ایشان را، آمرزشتی و مزدی بزرگ.
- ۱۰- و ایشان که کافر شدند و دروغ‌زن گرفتند به آیتهای ایما ایشان ایاران آتش‌اند.
- ۱۱- ای مؤمنان! [۲۳] ایاد کنید نعمت خدای را و ر شما که اندیشه کردند گروهی که دراز کنند به شما دستهای ایشان و ازداشت دستهای ایشان از شما و بپرهیزید از خدای [و] [۲۴] و ر خدای کو توکل کنند مؤمنان.
- ۱۲- و بگرفت خدای پیمان فرزندان یعقوب و بفرستادیم از ایشان دوازده نقیب و گفت [۲۵] خدای: من و شما ام ارب به پای دارید نماز را و بدهید زکات را و بگروید به پیغامبران من و نصرت کنید ایشان را و اوام دهید خدای را [۲۶] اوامی نیکو، بپوشانم از شما گستیهای شما و درکنم شما را در بستانهایی که می‌رود از زیر آن جویها. کی کافر شد پس [۲۷] آن از شما، گم شد از راستی راه.
- ۱۳- به شکستن ایشان پیمان ایشان را به لعنت کردیم ایشان را و کردیم دلهای ایشان سخت. می‌گردانند [۲۸] سخن را از جایگه‌های آن و فرموش کردند نیاوهی زانچ پند داده شدند بدان. و همیشه می‌وررسی و ر خیانتی از ایشان مگر خجارهی [۲۹] [ز]ایشان، عفو کن از ایشان و روی بگردان؛ خدای دوست دارد نیکوکاران را.
- ۱۴- و از ایشان که گفتند: ایما ترساکانیم بگرفتیم پیمان ایشان بهشتند [۳۰] نیاوهی از آنچه می‌پند داده شدند بدان. برانگیختیم به میان ایشان عداوت و دشمنانگی تا به روز رستاخیز. و انوز آگه کند ایشان را خدای [۳۱] بدانچ بودند که می‌کردند.
- ۱۵- ای اهل کتاب! آمد به شما پیغامبر ایما، می‌دیدور کند شما را فروانی از آنچه بودید می‌بنهان کردید از کتاب و می‌عفو کند^۱ [۱۱۸] از فروانی آمد به شما از خدای نوری و کتابی دیدور.
- ۱۶- می‌ره نماید بدان خدای آنکس را که پس‌روی کرد خوشنودی او را ره‌های سلامت و بیرون آرد ایشان را [۱۱۹] از تاریکیهای کفر به روشنایی اسلام به فرمان

۱. ناپیوسته بودن شماره صفحه‌های قرآن از صحافی و شماره‌گذاری نادرست پیدا شده است.

اوی و ره نماید ایشان را به ره راست.

۱۷- کافر شدند ایشان که گفتند: خدای اویست [۳۲] مسیح، پسر مریم. بگه: کیست که پادشایی دارد از خدای چیزی ار خواهد که هلاک کند مسیح پسر مریم را و مادر او را و آنکس را که در [۳۳] زمین است همه؟ و خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آن میان آن دوا بیافریند آنچه خواهد و خدای ور هر چیزی تواناست.

۱۸- و [۳۴] گفتند جهودان و ترسانان: ایما پسران خدای هییم و دوستان اوی. بگه: چرا می عذاب کند شما را به گنهران شما؟ بل شما بشری هید ازان می بیافرید. و می بیامرید کی را [۳۵] خواهد و عذاب کند کی را خواهد و خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آن میان آن دوا، و بی اوی است شدن جای.

۱۹- ... [۳۶] دیدور کند شما را ور بریدنی از پیغامبران، گوھید: نیامد بدیما هیچ مژده داداری و نی بدس برداری آمد به شما مژده [داداری] و بدس برداری. و خدای ور هر چیزی توانا.

۲۰- و که گفت موسی قوم خود را: یا قوم من! ایاد کنید [۳۷] نعمت خدای را ور شما که کرد در شما پیغامبرانی و کرد شما را پادشاهانی و داد شما را آنچه نداد یکی را از جهانیان.

۲۱- ای قوم من! [۳۸] درشید در زم-لین] پاک آنک بفرمود خدای شما را و وازمگردید ور [پس-های شما ار وازگردید زیان [کرا] [ب-بید].

۲۲- گفتند: [۳۹] ای موسی! آنجا گروهی گردن‌کشان‌اند و ایما درنشیم دران تا بیرون آیند ازان ار بیرون آیند ازان ایما درشداران بیم.

۲۳- گفت [۴۰] دو مرد از ایشان که می ترسند نعمت کرد خدای وران دو: درشید ور ایشان از در ازمان که درشدید دران شما غلبه‌کناران هید. و ور خدای [۴۱] کو توکل کنید ار هید مؤمنان.

۲۴- گفتند: ای موسی! ایما درنشیم دران هرگز چند دایم بند دران؛ بشه تو و خداوند تو و کارزار کنید، ایما [۴۲] اینجا نشستاران هییم.

۲۵- گفت: خداوند من! من پادشایی ندارم مگر ور نفس من و برادر من جدا کن به میان ایما و میان گروه فاسقان.

- ۲۶- گفت: آن [۴۳] حرام کرده است و ایشان چهل سال می‌حیران روند در زمین تیمار مبر و گروه فاسقان.
- ۲۷- و بخوان و ایشان خبر دو پسر آدم [۴۴] به حق که قربان کردند قربانی؛ پذیرفته شد از یکی ازان دو و نپذیرفت از دیگر. گفت: بکشم ترا. گفت: بپذیرد خدای از [۴۵] پرهیزکاران.
- ۲۸- از دراز کنی به من دست خود را تا بکشی مرا نیم من درازکنار دست خود را به تو تا بکشم ترا من می‌ترسم از خدای خداوند جهانیان. [۴۶]
- ۲۹- من می‌خواهم که واگردی به بزه‌ی من و بزه‌ی تو و بهد از ایاران آتش و آنست پاداش ستم‌کاران.
- ۳۰- خوش‌کامه شد او را نفس اوی [۴۷] در کشتن برادر اوی. بکشت او را و شد از زیان‌کران.
- ۳۱- بفرستاد خدای کلاغی می‌کچیل کرد در زمین تا بنماید او را که چون بپوشد، بنهان کند عورت [۴۸] برادر اوی، گفت: یا وای من! ای عاجز شدم که بم مانند این کلاغ که بنهان کنم عورت برادر من؛ شد از پشیمانان.
- ۳۲- از سبب آن [۴۹] واجب کردیم و فرزندان یعقوب که هر کی بکشد نفسی به جد نفسی یا فسادی در زمین گویی که بکشت مردمان را همه [۵۰] و هر کی زنده کرد آن را گویی که زنده کرد مردمان را همه و آوردند بدیشان پیغامبران ایما به دیدوریاها و از فروانی از ایشان پس آن [۵۱] در زمین اسراف‌کنارانند.
- ۳۳- پاداش ایشان که می‌محارب شند خدای را و پیغامبر او را و می‌روند در زمین به فساد که کشته شند، [۵۲] یا ور دار کرده شند، یا بریده شهد دستهای ایشان و پایهای ایشان از خلاف، یا رانده شند از زمین. آن ایشان را بهد خواری در این جهان و ایشان را [۵۳] در آن جهان عذابی بزرگ بهد.
- ۳۴- مگر ایشان که توبه کردند از پیش آنک قادرشید و ایشان، بدانید که خدای آمرزیدگاری رحمت‌کنار است.
- ۳۵- ای [۵۴] مؤمنان! پرهیزید از خدای و بطلید [بی] او نزدیکی و جهاد کنید در راه اوی تا شما نیکبخت شید.

۳۶- ایشان که کافر شدند، [۵۵] از بید ایشان را آنچ در زمین است همه و همچندان و آن تا خود را و از خرندی بدان از عذاب روز رستاخیز پذیرفته نشهد از ایشان و ایشان را بهد عذابی [۵۶] دردمندکنار.

۳۷- می خواهند که بیرون آیند از آتش و نیند ایشان بیرون آمداران ازان و ایشان را بهد عذابی مقیم.

۳۸- و مرد دزد و زن دزد [۵۷] ببرید دستهای آن دو پاداشی بدانچ کسب کردند، عقوبتی از خدای و خدای عزیزی درست کار است.

۳۹- هر کی توبه کرد از پس ستم اوی و نیکی کرد [۵۸] خدای بپدیرد توبت اوی؛ خدای آمرزیدگاری رحمت کنار است.

۴۰- ای ندانستی که خدای او راست پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند کرا خواهد [۵۹] و بیامرزد کرا خواهد؟ و خدای ور همه چیزی تواناست.

۴۱- ای پیغامبر! نگر که اندهگن نکند ترا ایشان که می شتاوند در کافری از ایشان که گفتند: [۶۰] بگروستیم به دهنهای ایشان و بنگروست دلهای ایشان و از ایشان که جهود شدند نیوشیداران دروغ را نیوشیداران گروهی دیگران را که نیامدند به تو، [۶۱] می گردانند سخن را از پس جایگههای آن. می گویند: ار داده شید این، بگیرید آن را و ار داده نشید، بترسید. [۶۲] هر کرا خواهد خدای آزمودن اوی پادشایی نداری او را از خدای چیزی، ایشان ایشانند ... خدای که پاک کند دلهای ایشان را] ... بهد در [۶۳] این جهان خواری و ایشان را در آن جهان عذابی بزرگ بهد.

۴۲- نیوشیداران اند دروغ را، خوردارانند حرام و رشوت را، ار آیند به تو، حکم کن به میان ایشان [۶۴] یا روی بگردان از ایشان و ار روی بگردانی از ایشان زیان نکنند ترا چیزی. و ار حکم کنی، حکم کن به میان ایشان به راستی. خدای دوست دارد [۶۵] دادگران را.

۴۳- و چون داور کنند ترا و نزدیک ایشانست توریت در آنجاست حکم خدای واز می وازگردند از پس آن و نیند ایشان [۶۶] گروستگان.

۴۴- ایما فرود کردیم توریت را دران رهنمونی و نوری می حکم کنند بدان پیغامبران،

ایشان که نرم شدند ایشان را که جهود شدند و نیک مردان [۶۷] و دانشمندان بدانک نگه‌بانی طلبیده شدند از کتاب خدای و بودند وران گواهان. مترسید از مردمان و بترسید از من [۶۸] و مخرید به آیت‌های من بهایی خجاره. و هر کی حکم نکند بدانچ فرود کرد خدای، ایشان، ایشانند کافران.

۴۵- و واجب کردیم ور ایشان در آنجا که [۶۹] نفس به نفس و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و جراحته‌ها برابر کردن است [۷۰] هر کی صدقه کند بدان آن کفارت بهد او را و هر کی حکم نکند بدانچ فرود کرد خدای، ایشان، ایشانند ستم‌کاران.

۴۶- و بفرستادیم ور اثرهای ایشان [۷۱] عیسی، پسر مریم را، راستگرگرفتار، آن را که پیش آن بود از توریت و دادیم او را انجیل، دران رهنمونی و نوری و راستگرگرفتار آن را که پیش [۷۲] آن بود از توریت و رهنمونی و پندی پرهیزکاران را.

۴۷- کو حکم کنند اهل انجیل بدانچ فرود کرد خدای دران و هر کی حکم نکند بدانچ فرود کرد [۷۳] خدای، ایشان، ایشانند فاسقان.

۴۸- و فرود کردیم به تو کتاب را به حق، راستگرگرفتار آن را که پیش آن بود از کتاب و گواه وران. [۷۴] حکم کن به میان ایشان بدانچ فرود کرد خدای و پس روی مکن هواهای ایشان را از آنچه آمد به تو از حق. همه را کردیم از شما شریعتی و رهی. [۷۵] و ارخواستی خدای کردی شما را یک گروه ولکن تا بیازماید شما را در آنچه آورد شما را. پیشی‌گیرید به نیکیها، به خدایست و از آمدن شما [۷۶] همه. آگه کند شما را بدانچ بودید که دران می اختلاف کردید.

۴۹- و حکم کن به میان ایشان بدانچ فرود کرد خدای و پس روی مکن هواهای ایشان را و بترس از ایشان که [۷۷] بگردانند ترا از بهری آنک فرود کرد خدای به تو. ار وازگردند بدان که می خواهد خدای که بگیرد ایشان را به بهری گناهان ایشان و فروانی [۷۸] از مردمان فاسقان‌اند.

۵۰- ای حکم جاهلیت می طلبند؟ و کیست نیکوتر از خدای به حکم، قومی را که می یقین شند؟

۵۱- ای مؤمنان! [۷۹] مگیرید جهودان و ترساکان را دوستانی، بهری ایشان دوستان

- بهری‌اند. و هر کی به ولی گیرد ایشان را از شما اوی ازیشانست. خدای ره ننماید گروه [۸۰] ستم‌کاران را.
- ۵۲- بینی ایشان را که در دل‌های ایشان شکی است، می‌شتاوند در ایشان. می‌گویند: می‌ترسیم که رسد بدیما سختی. شاید خدای که آرد فتح و نصرت [۸۱] یا فرمانی از نزدیک اوی. شنند بر آنچه بنهان کردند در نفس‌های ایشان پشیمانان.
- ۵۳- و گویند ایشان که بگرویستند: ای این گروه ایشانند که سو گند خوردند به خدای [۸۲] سختر سوگندان ایشان که ایشان و شما اند؟ حبطه شد کردارهای ایشان، شدند زیان‌کاران.
- ۵۴- ای مؤمنان! هر کی وازگردد از شما از دین اوی انوز [۸۳] بیارد خدای گروهی را که می‌دوست دارد ایشان را و دوست دارند او را، نرمان‌اند ور مؤمنان، سختان‌اند ور کافران، می‌جهد کنند در سبیل خدای [۸۴] و نمی‌ترسند از ملامت ملامت‌کناری. آن فضل خدایست دهد آن کرا خواهد؛ و خدای فراخ عطایی داناست.
- ۵۵- ولی شما خدایست و پیغامبر اوی [۸۵] و ایشان که بگرویستند، ایشانند که به پای می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان رکوع‌گرفتاراند.
- ۵۶- و کی به ولی گیرد خدای را و پیغامبر او را [۸۶] و ایشان را که بگرویستند، گروه خدای ایشانند غلبه‌کناران.
- ۵۷- ای مؤمنان! مگیرید ایشان را که بگرفتند دین شما را اوسوسی [۸۷] و بازی از ایشان که داده شدند کتاب از پیش شما و کافران را دوستانی. و سپرهیزید از خدای، ار هید مؤمنان.
- ۵۸- و ازمان که بخوانید [۸۸] به نمازکردن، بگیرند آن را اوسوسی و بازی آن بدانک ایشان گروهی‌اند که خرد را کار نمی‌فرمایند.
- ۵۹- بگو: ای اهل کتاب! در خشم نمی‌شید از ایما مگر آنک بگرویستیم [۸۹] به خدای و بدانچ فرود کرده شد بدیما و بدانچ فرود کرده شد از پیش و فروان‌تر شما فاسقان‌اند.
- ۶۰- بگو: ای آگه کنم شما را به گتر ازان پاداشی نزدیک [۹۰] خدای، کس را که به

لعنت کرد خدای و به خشم شد و راوی و کرد از ایشان کپیان و خوکان و بپرستند دیو را؟ ایشان بتراند به جایگاه و گم شده تراند [۹۱] از راستی راه.

۶۱- و ازمان آیند به شما، گویند: بگرویستیم؛ و درشدند به کافری و ایشان بیرون شدند و آن؛ و خدای داناتر بدانچ [۹۲] بودند می بنهان کردند.

۶۲- و بینی فراوانی را از ایشان که می شتاوند در بزه و گذشتاری و خوردن ایشان حرام را. بد است آنچه بودند که می کردند. [۹۳]

۶۳- چرا واز نمی زنند ایشان را خدایان و دانشمندان از گفتن ایشان بزه را و خوردن ایشان حرام و رشوت را؟ بد است آنچه بودند که می کردند.

۶۴- و گفتند [۹۴] جهودان: دست خدای از عطا در غل کرده است. در غل باد دستهای ایشان و به لعنت کرده شدند بدانچ گفتند؛ بل دو دست اوی در عطا گشاده است خزین کند چنانچ خواهد و بیفزاید فروانی را [۹۵] از ایشان آنچه فرود کرده شد به تو از خداوند تو وی رهی و کافری و بیوکندیم به میان ایشان عداوت و دشمنایی تا به روز رستاخیز. [۹۶] هر باری که وراورزند آتشی حرب را فرومیراند آن را خدای و می روند در زمین به فساد؛ و خدای دوست ندارد فسادکناران را.

۶۵- و ار [۹۷] اهل کتاب بگرویستندی و بپرهیزیدندی، بپوشانیدی ایما از ایشان گستیهای ایشان و درکردی ایما ایشان را در بستانهای پر نعمت.

۶۶- و ار ایشان به پای داشتندی توریت را [۹۸] و انجیل را و آن را که فرود کرده شد بدیشان از خداوند ایشان، بخوردندی از زور ایشان و از زیر پایهای ایشان. از ایشان هند گروهی نیکوکار، و فراوانی از ایشان [۹۹] بد است آنچه می کنند.

۶۷- ای پیغامبر! برسان آنچه فرود کرده شد به تو از خداوند تو. و ار نکنی نرسانیده بی پیغامهای اوی و خدای نگه می دارد ترا [۱۰۰] از مردمان. خدای ره ننماید گروه کافران را.

۶۸- بگو: ای اهل کتاب! نیستید و چیزی تا به پای دارید توریت [۱۰۱] و انجیل را و آن را که فرود کرده شد به شما از خداوند شما. و بیوزاید فراوانی را از ایشان، آنچه فرود کرده شد به تو از خداوند تو وی رهی و کافری. [۱۰۲] تیمار مبر و گروه

کافران.

۶۹- ایشان که بگرویستند و ایشان که جهود شدند و صابیان و ترساکان هر کی بگرویست به خدای [۱۰۳] و به روز آن جهان و کرد نیکی، نیست ترس و ایشان و نه ایشان تیمار برند.

۷۰- بگرفتیم پیمان فرزندان یعقوب و بفرستادیم بدیشان [۱۰۴] پیغامبران. هر باری که آورد بدیشان پیغامبری بدانچ دوست ندارد نفسهای ایشان گروهی را دروغزن گرفتند و گروهی را می کشتند.

۷۱- و پنداشتند که نبهد فتنه، [۱۰۵] کور شدند و کوت شدند، و از توبه پذیرفت خدای و ایشان؛ و از کور شدند و کوت شدند فروانی از ایشان. و خدای بیناست بدانچ می کند.

۷۲- کافر شدند ایشان....

۷۳- ... [۱۰۶] که گفتند: که خدای سدیگر سه است. و نیست هیچ خدایی مگر یک خدای. و از نشند از آنچ می گویند و رسد بدیشان که کافر شدند از ایشان [۱۰۷] عذابی دردمندکنار.

۷۴- ای توبه نکنند به خدای و آمرزش بخواهند ازو؟ و خدای آمرزیدگاری رحمت کنار است.

۷۵- نیست مسیح، پسر مریم، مگر پیغامبری [۱۰۸] که بگدشتند^۱ از پیش اوی پیغامبران. و مادر اوی راست گویی بود. بودند که می خوردند طعام. بنگر که چون می دیدور کنیم ایشان را آیتها؛ و از بنگر که چون [۱۰۹] گردانسته می شنند.

۷۶- بگو: ای می پرستید از جد خدای آن را که پادشایی ندارد شما را زیانی و نه سودی؟ و خدای اویست اشنوای دانا.

۷۷- بگو: ای اهل [۱۱۰] کتاب! غلو مکنید در دین شما جد حق و پس روی مکنید هواهای گروهی را که گم شدند از پیش و گم کردند فراوانی را [۱۱۱] و گم شدند از راستی راه.

۱. م: کبگدشتند.

- ۷۸- به لعنت کرده شدند ایشان که کافر شدند از فرزندان یعقوب از زبان داود و عیسی، پسر مریم، آن [۱۱۲] بدانک نافرمان شدند و بودند که گذشتاری می کردند.
- ۷۹- بودند که واز نمی زدند یکدیگر را از گستی و بدیی که بکردند آن را. بد است آنچه بودند که می کردند.
- ۸۰- بینی فراوانی را [۱۱۳] از ایشان که به ولی می گیرند ایشان را که کافر شدند. بدست آنچه پیش کرد ایشان را نفسهای ایشان. که به خشم شد خدای ور ایشان و در عذاب ایشان جاودانگان بند. [۱۱۴]
- ۸۱- و ار بودندی که بگرویستندی به خدای و به پیغامبر و بدانچ فرود کرده شد بدو، نگرفتندی ایشان را دوستانی؛ ولکن فروانی از ایشان فاسقان اند. [۱۱۵]
- ۸۲- هرینه گندی سختتر مردمان را به دشمنی ایشان را که بگرویستند جهودان را و ایشان که شرک گرفتند و گندی نزدیکتر ایشان را به دوستی ایشان را [۱۲۰] که بگرویستند، ایشان که گفتند: ایما ترساکانیم آن بدانک از ایشانند دانشمندان و زاهدان و ایشان بزرگمنشی نکنند.
- ۸۳- و ازمان که بیشنند آنچه فرود کرده شد [۱۲۱] به پیغامبر، بینی چشمهای ایشان را که می ریزد از اشک، از آنچه بشناختند از حق. می گویند: خداوند ایما! بگرویستیم، بنویس ایما را و اگواهان. [۱۲۲]
- ۸۴- و چیست ایما را که نگرویم به خدای و بدانچ آمد بدیما از حق؟ و طمع می داریم که درکند ایما را خداوند ایما و گروه نیکان.
- ۸۵- پاداش داد ایشان را خدای [۱۲۳] بدانچ گفتند، بستانهایی که می رود از زیر آن جویها جاودانگان بند دران. و آنست پاداش نیکوکاران.
- ۸۶- و ایشان که کافر شدند [۱۲۴] و دروغزن گرفتند آیتهای ایما را، ایشان ایاران دوزخ.
- ۸۷- ای مؤمنان! حرام مکنید پاکیهی آنچه حلال کرد خدای شما را و گذشتاری مکنید، [۱۲۵] که خدای دوست ندارد گذشتاری کنان^۲ را.
- ۸۸- و بخورید از آنچه روزی داد شما را خدای حلال پاک و بپرهیزید از آن خدای که

۱. ناپیوسته بودن شماره صفحه‌های قرآن از صحافی و شماره‌گذاری نادرست پیدا شده است.

۲. ساختار صرفی معمول این متن گذشتاری کناران می تواند باشد.

شما بدو گرویستگان هید. [۱۲۶]

۸۹- بنگیرد شما را خدای به اکار در سوگندان شما، ولکن گیرد شما را بدانچ بیستید سوگندان را. کفارت آن طعام دادن ده [۱۲۷] درویشان از میانه تر آنچ می طعام دهید اهلان شما یا جامه پوشیدن ایشان یا آزادکردن گورده‌ی، کی نتواند روزه داشتن سه روز. آنست کفارت [۱۲۸] سوگندان شما ازمان که سوگند خورید و نگه دارید سوگندان شما همچنان می دیدور کند خدای شما را آیتهای خود تا شما شکر کنید.

۹۰- ای مؤمنان! [۱۲۹] می و مقامری و بتان و تیرهای مقامری، پلیدی‌اند، از عمل دیو. دور بید ازان تا شما نیکبخت شید.

۹۱- می خواهد دیو [۱۳۰] که اوکند میان شما عداوت و دشمنی در می و مقامری و واززند شما را از ایادکرد خدای و از نماز، ای شما [۱۳۱] وازشداران هید؟

۹۲- و فرمان برداری کنید خدای را و فرمان برداری کنید پیغامبر را و بترسید. از وازگردید بدانید که و پیغامبر ایماست رسانیدن پیغام دیدور. [۱۳۲]

۹۳- نیست و ایشان که بگرویستند و کردند نیکیه‌ها بزه‌ی، در آنچ خوردند ازمان که بپرهیزند و بگرویند و بکنند نیکیه‌ها [۱۳۳] واز بپرهیزیدند و بگرویستند، واز بپرهیزیدند و نیکوی کردند، و خدای دوست دارد نیکوکاران را.

۹۴- ای مؤمنان! هرینه که بیازماید شما را خدای به چیزی [۱۳۴] از صید که رسد بدان دستهای شما و نیزه‌های شما، تا بدانند خدای آنکس را که بترسد ازو به ناپدیدی. هر کی گذشتاری کند پس آن، او را بهد [۱۳۵] عذابی دردمندکنار.

۹۵- ای مؤمنان! مکشید صید را و شما محرمان بید، و هر کی بکشد آن را از شما به قصد و اویست جزای مانند [۱۳۶] آنچ بکشت از ستوران. حکم کند بدان دو گواه عدل از شما قربانی رسیدار به کعبه، یا کفارت طعام درویشان، یا همچندان [۱۳۷] آن روزه داشتن تا بچشد عقوبت کار خود. عفو کرد خدای از آنچ بگذشت و هر کی وازآید دادواز آرد خدای ازو. و خدای عزیز، [۱۳۸] خداوند دادواز آوردن.

۹۶- حلال کرده شد شما را صید دریا و طعام آن بر خورداری است شما را و کاروان را و حرام کرده شد و شما صید دشت چند دایم بید [۱۳۹] محرمان. و بپرهیزید

ازان خدای که بدو گرد کرده می شید.

۹۷- کرد خدای کعبه را خانه‌ی حرام، ایستادنی مردمان را [۱۴۰] و مایگان حرام را و قربانی را وقلاید را. آن تا بدانید که خدای می داند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خدای [۱۴۱] به همه چیزی داناست.

۹۸- بدانید که خدای سخت عقوبت است و خدای آمرزیدگاری رحمت‌کنار است.

۹۹- نیست و پیغامبر مگر رسانیدن پیغام و خدای داند [۱۴۲] آنچه اشکرا می کنید و آنچه بنهان می کنید.

۱۰۰- بگو: برابر نبهد پلید و پاک. و ار همه به شگفت کند ترا فراوانی پلید. بپرهیزید از خدای ای خداوندان [۱۴۳] خردها! تا شما نیکبخت شید.

۱۰۱- ای مؤمنان! مپرسید از چیزهایی؛ ار اشکرا کرده شهد شما را انده‌گن کند شما را و ار پرسید ازان، آن هنگام [۱۴۴] که فرود کرده شهد قرآن اشکرا کرده شهد شما را. عفو کرد خدای ازان. و خدای آمرزیدگاری بردبار است.

۱۰۲- پرسیدند آن را قومی از پیش شما و از شدند بدان کافران. [۱۴۵]

۱۰۳- نکرد خدای هیچ اشتری شکافته‌گوش حرام و نه بیرون‌هشته به نذر حرام و نه گوسبندی پیوسته با ایار حرام و نه اشتری نر که از نسل اوی اشتران بسیار برآمده بند حرام و لکن ایشان که کافر شدند می‌درحینند و [۱۴۶] خدای دروغ را و فروان تر ایشان خرد را کار نمی‌فرمایند.

۱۰۴- و ازمان که گفته شهود ایشان را که: بیایید بدانچ فرود کرد خدای و به پیغامبر، گویند: [۱۴۷] بس ایما آنچه گندادیم و ران پدران ایما را. ای ار بودند پدران ایشان که نمی‌دانستند چیزی و نه ره می‌بردند؟

۱۰۵- ای [۱۴۸] مؤمنان! و شما باد که نگه دارید نفسهای شما را. زیان نکنند شما را آنکس که وی‌ره شد ازمان که ره‌دار بید. به خدایست و ازگشت شما همه، آگاه کند شما را بدانچ بودید [۱۴۹] که می‌کردید.

۱۰۶- ای مؤمنان! گواهی دادن به میان شما، ازمان که حاضر آید به یکی از شما بیمار مرگی در هنگام وصیت کو گواهی دهید دو مرد [۱۵۰] خداوندان عدل از شما. یا دو دیگر از جد شما ار شما بروید در زمین، و برسد به شما مصیبت مرگی. می

وازگیرید آن دو را [۱۵۱] از پس نماز سوگند خورند به خدای ارگامند شید که نخریم بدان بهایی، و ار همه بند خداوند نزدیکی و بنهان نکنیم گواهی [۱۵۲] خدای را که ایما نون از بزه کران بیم.

۱۰۷- ار وررسیده شهد و رانک آن دو سزاوار شدند بزه را، دو دیگر بایستند به جای آن دو از ایشان [۱۵۳] که حق گرفته شد و ایشان از نخستینان. و سوگند خورند به خدای که گواهی ایما درست تر است از گواهی آن دو و گذشتاری نکردیم، ایما نون از [۱۵۴] ستم کاران بیم.

۱۰۸- آن سزاوارتر که بیارند گواهی را و روی آن یا ترسند که وازگردانیده شود سوگندانی پس سوگندان ایشان [۱۵۵] و بپرهیزید از خدای و بیشنید و خدای ره ننماید گروه فاسقان را.

۱۰۹- آن روز به هم کند خدای پیغامبران را، گوید: که [۱۵۶] جواب داده شدید؟ گفتند: علم نیست ایما را. تو، تویی دانای ناپدیدها.

۱۱۰- که گفت خدای: ای عیسی، پسر مریم! ایاد کن نعمت مرا [۱۵۷] ورتو، و ورمادر تو که قوی کردم ترا به جبریل پاک. می سخن گفتی مردمان را در منجک چون سی سالگان و که بیاموختم ترا کتاب [۱۵۸] و حکمت و توریت و انجیل و که می ساختی از گل چون صورت مرغان به فرمان من و می دمیدی در اوی و بود مرغی [۱۵۹] به فرمان من و درست می کردی نابینای مادرزاد را و پیس را به فرمان من، و که می بیرون آوردی مردگان را به فرمان من. و که وازداشتم فرزندان یعقوب را [۱۶۰] از تو، که آوردی بدیشان دیدوریهها. گفتند ایشان که کافر شدند از ایشان: نیست این مگر جادوی دیدور.

۱۱۱- و که وحی کردم [ابی] [۱۶۱] حواریان: که بگروید به من و به پیغامبر من. گفتند: بگرویستیم و گواهی ده و گواه باش بدانک ایما مسلمانانیم.

۱۱۲- که گفتند حواریان: ای [۱۶۲] عیسی، پسر مریم! ای تواند خداوند تو که فروفرستد ورا ایما خوانی از آسمان؟ گفت: بپرهیزید از خدای ار هید مؤمنان. [۱۶۳]

۱۱۳- گفتند: می خواهیم که بخوریم ازان و بیارامد دلهای ایما و دانیم که راست گفتی

ایما را و بیم وران از گواهی داداران. [۱۶۴]

۱۱۴- گفت عیسی، پسر مریم: ای بار خدای، خداوند ایما! فرود کن ور ایما خوانی از آسمان تا بهود ایما را عیدی، اول ایما را و آخر ایما را، و نشانی [۱۶۵] از تو و روزی ده ایما را، و تو بهتر روزی دادارانی.

۱۱۵- گفت خدای: من فرودکردارم آن را و ور شما هر کی کافر شهد ازان پس از شما، [۱۶۶] من عذاب کنم او را عذابی که عذاب نکنم بدان یکی را از جهانیان.

۱۱۶- و که گفت خدای: ای عیسی، پسر مریم! [۱۶۷] ای تو گفتی مردمان را بگیرید مرا و مادر مرا دو خدای از جد خدای؟ گفت: پاکی ترا نبهود مرا [۱۶۸] که گویم آنچه نیست مرا به حق ار بودم که گفتم او را، دانستی آن را دانی آنچه در ضمیر منست و ندانم آنچه در حقیقت تو است. تو، [۱۶۹] تویی دانای ناپدیدیها.

۱۱۷- نگفتم ایشان را مگر آنچه بفرمودی مرا بدان که پرستم خدای را، خداوند من و خداوند شما، و بودم ور ایشان [۱۷۰] گواه چند دایم بودم در میان ایشان. ازمان که بمیرانیدی مرا، تو بودی تو نگه بان ور ایشان و تو ور همه چیزی گواهی.

۱۱۸- [ار] [۱۷۱] عذاب کنی ایشان را، ایشان بندگان تواند، و ار بیمارزی ایشان را، تو، تویی عزیز درست کار.

۱۱۹- گفت خدای: این آن روز است که منفعت کند^۱ [۱۷۲] راست گویان را راست گفتن ایشان. ایشان راست بستانهایی که می رود از زیر آن جویها. جاودانگان بسند دران همیشه. خشنود شد خدای از ایشان [۱۷۳] و خشنود شدند ازو. آنست دست بردن بزرگ.

۱۲۰- خدای راست پادشایی آسمانها و زمین و آنچه در ایش... و اوی ور [۱۷۴] همه چیزی تواناست.

نمل (۲۷)

۸۶... که می گرویند.

۱. م: منفعت نکند.

۸۷ و آن روز که دمیده شهد در صور بترسد کی در آسمانها و کی در زمین است مگر
آنکس که خواهد خدای و همه آمدارانند بدو [۱۱۶] خواران.
۸۸ و بینی کهها را پنداری آن را یخ بسته و آن می رود چون رفتن ابر صنع خدای آنک
محکم کرد هر چیزی. اوی ... [۱۱۷]

